



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir



مرکز اطلاعات علمی جهان و منطقه
Scientific Information Database

Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science



ESJI
www.ESJIndex.org

Eurasian
Scientific
Journal
Index



Academic
Resource
Index
ResearchBib



Academia.edu
share research



سال انتشار	۱۴۰۲	شماره انتشار	۱۶	دوره انتشار	۵	صفحات	۱-۱۹
------------	------	--------------	----	-------------	---	-------	------

تأثیر نفت بر گسترش روابط چین و جمهوری اسلامی ایران

آقای حمید قیاسی فر

دانشجوی دکتری تخصصی حقوق نفت و گاز

چکیده

در جهان کنونی مسائل بحث برانگیز فراوانی درباره نفت و جایگاه آن در روابط سیاسی کشورها وجود دارد. منابع نفتی که به صورت پراکنده در اقصی نقاط دنیا یافت می-شوند، نقش مهمی در سیاست خارجی کشورها در قبال یکدیگر بازی می-کنند. ایران در نقطه-ای از جهان جای گرفته که بیشترین ذخایر نفتی را داراست. چین نیز با توجه به رشد اقتصادی فزاینده خود و لزوم پاسخگویی به نیازهای مربوط به بخش انرژی، وابستگی فراوانی به نفت این منطقه دارد. این کشور به منظور تضمین امنیت انرژی خود در افق پیش رو، تلاش فراوانی برای استفاده از اهرم نفت در گسترش روابط با کشورهای تولید کننده نفت انجام داده است. در اینجا پرسشی که طرح می-شود این است که نفت چه جایگاهی در گسترش روابط ایران و چین داشته است؟ بر همین منوال فرضیه-ای که برای مقاله طرح شده این است که با توجه به نیاز فراوان چین به خرید نفت ایران جهت تضمین امنیت انرژی و پاسخگویی به رشد فزاینده اقتصادی خود و همچنین غنی بودن ایران از نظر دارا بودن منابع مهم نفتی جهان و وجود قراردادهای بزرگ نفتی میان دو طرف و سهم نسبتاً بالای ایران در صادرات نفت به چین، می-توان گفت که نفت یکی از پیشران-های برجسته در گسترش روابط میان این دو کشور بوده است. روش پژوهش کیفی است و مسئله اصلی با رویکرد تحلیل اسنادی بررسی شده است.

واژگان کلیدی: نفت، چین، امنیت انرژی، ایران.

طبقه‌بندی: JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم شناسی - حقوق بین الملل - حقوق خصوصی



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir



The Impact of Oil on the Expansion of Relations Between China and the Islamic Republic of Iran

Abstract

In the contemporary world, there are numerous contentious issues surrounding oil and its role in the political relations between nations. Oil resources, scattered across the globe, play a significant role in shaping the foreign policies of countries toward one another. Iran is situated in a region that holds the world's largest oil reserves. Meanwhile, driven by rapid economic growth and the need to meet energy demands, China relies heavily on oil from this region. To ensure its future energy security, China has actively leveraged oil as a tool to expand relations with oil-producing nations. This raises the question: what role has oil played in the expansion of relations between Iran and China? Accordingly, the hypothesis proposed in this article is that—given China's substantial need for Iranian oil to ensure energy security and sustain its rapid economic growth, combined with Iran's vast oil reserves, major bilateral oil contracts, and Iran's significant share of oil exports to China—oil has been a key driver in expanding relations between these two actors. The study employs a qualitative research method, examining the central issue through a documentary analysis approach.

Keywords: Oil, China, energy security, Iran.



متن مقاله

تحلیل این پرسش و به آزمایش نهادن فرضیه پرداخته شود. این مقاله از سه گفتار تشکیل شده است. در گفتار نخست، ویژگی‌های نفتی منطقه خلیج فارس و کشور ایران بررسی می‌شود. گفتار دوم به توضیح موشکافانه ویژگی‌های چین از لحاظ واردات نفتی می‌پردازد و در گفتار پایانی، ویژگی‌ها و مراودات دو کشور چین و ایران در طول دوره زمانی مورد نظر با تاکید بر مولفه نفت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲- مبانی نظری: ژئوپلیتیک و امنیت انرژی

در این نوشتار به دلیل آن که بر روی منطقه خلیج فارس به ویژه کشور نفتخیز ایران از یک طرف و نیازهای فزاینده چین به نفت تمرکز شده، بنابراین برای فهم بهتر موضوع، رویکرد ما تحلیل روابط ایران و چین در چارچوب نظریه‌های مربوط به ژئوپلیتیک و امنیت انرژی است.

الف. ژئوپلیتیک انرژی [۲]

ژئوپلیتیک از مهم‌ترین کلید واژه‌های موجود در علم روابط بین‌الملل و جغرافیای سیاسی می‌باشد. پیروز مجتهد زاده در مورد ژئوپلیتیک معتقد است: «ژئوپلیتیک یا سیاست جغرافیایی، اثر محیط و اشکال یا پدیده‌های محیطی چون، موقعیت جغرافیایی، شکل زمین، منابع کمیاب، امکانات ارتباطی و انتقالی، وسایل ارتباط جمعی و... را در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، بویژه در سطوح گسترده منطقه‌ای و جهانی مطالعه می‌کند.» (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۲۸). بسیاری از تحلیل‌گران ژئوپلیتیک استدلال می‌کنند که عوامل و عناصر جغرافیایی به ویژه موقعیتی که کشور در آن قرار گرفته، نقش فراوانی در سیاست خارجی کشورها در قبال همدیگر دارد (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۱: ۳۱) اینکه کشوری در چه نقطه‌ای از دنیا قرار گرفته و چه نوع منابع طبیعی و چه مقدار از آن را در اختیار دارد، برای نظریه پردازان ژئوپلیتیک از موضوعات حیاتی است.

رشد سریع اقتصادی چین در دو دهه اخیر و حرکت شتاب‌زده [۱] آن در مسیر تبدیل شدن به یک قدرت اقتصادی بزرگ در عرصه جهانی، ضرورت بررسی مسائل این کشور را دو چندان کرده است. دلایل بسیاری برای این رشد سریع برشمرده‌اند که از جمله می‌توان به الگوی صحیح مدیریتی همراه با تلاش برای توسعه اقتصادی توسط همه ارگان‌ها و اقشار جامعه و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی اشاره کرد. اما نکته‌ای که باید بدان توجه بیشتری داشت، نقش نفت و دیگر منابع انرژی در به گردش درآوردن موتور توسعه در چین است. بر اساس برآوردها، اگر صادرات انرژی از بسیاری از کشورها به ویژه کشورهای حوزه خلیج فارس (همچون ایران) به چین با وقفه روبه رو شود، امکان کاهش رشد اقتصاد آن کشور وجود دارد. چینی‌ها با فهم این موضوع در دهه‌های اخیر، تلاش‌های زیادی برای ارتقای روابط خود با کشورهای بزرگ نفتی منطقه به ویژه ایران انجام داده‌اند، تا در سایه سطح بالای روابط، بتوانند جریان عبور نفت در زمان حال و آینده را به سوی خود، تضمین نمایند.

هدف از نوشتار حاضر پاسخ دادن به این پرسش است که نفت چه جایگاهی در گسترش روابط چین و ایران داشته است؟ بر همین منوال فرضیه‌ای که برای مقاله طرح شده، این است که با توجه به نیاز فراوان چین به نفت ایران برای تضمین امنیت انرژی و پاسخگویی به رشد فزاینده اقتصادی خود و همچنین غنی بودن ایران از نظر دارا بودن منابع مهم نفتی جهان و وجود قراردادهای بزرگ نفتی میان دو طرف و سهم بالای ایران در صادرات نفت به چین، می‌توان گفت که نفت یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار در گسترش روابط میان این دو کنشگر در سال‌های مورد بررسی بوده است. بدین منظور، در طول مقاله با استفاده از جداول و آمارهای موجود به صورت نموداری، تلاش خواهد شد تا به تجزیه و



امنیت انرژی، از حوزه های مهم مد نظر تحلیل-گران و نظریه پردازان ژئوپلیتیک در سال های اخیر بوده است. باید یادآور شد که دال مرکزی اکثر این دیدگاه ها، وابسته بودن جهان به منابع انرژی و بازشناسی این مسئله است که مصرف بالای کنونی انرژی در کره زمین، تهدیدی برای نسل های آینده است. بازیلیان [۵] و همکاران، امنیت انرژی را: «تأمین سوخت و خدمات انرژی با قیمت های معقول و ثابت به میزان کافی در داخل و بدون نیاز به واردات و هماهنگی با افزایش تقاضا در آینده، که در زمان درست ارائه شود» می دانند. (Morgan and O'leary, ۲۰۰۶: ۱۵) بیلکی [۶] نیز می گوید: «امنیت انرژی، عرضه مطمئن و کافی آن با قیمت های معقول» است. (Jervis, ۲۰۰۲: ۴۷) کسل و همکاران [۷] نیز در مورد امنیت انرژی معتقدند که: «تنوع-بخشی به منابع عرضه، حاشیه های امنیتی قوی، بازار های انعطاف پذیر و رقابتی انرژی، وابستگی متقابل میان شرکت ها و حکومت-ها، وابستگی متقابل میان عرضه-کنندگان و مصرف کنندگان، امنیت فیزیکی برای مصرف کنندگان و تولیدکنندگان، اطلاعات با کیفیت برای مردم، سرمایه-گذاری در فناوری جدید، و کاهش واردات انرژی» همگی در افزایش امنیت دسترسی به انرژی تاثیر گذارند. (John and others, ۲۰۰۷: ۳۶).

امنیت انرژی مباحث گسترده ای از جمله افزایش تقاضای جهانی و وابستگی بیشتر به بازارهای تولید، امنیت عرضه، ترابری [۸] و حفاظت از خطوط لوله، منابع انرژی مطمئن و قیمت های مناسب انرژی، تعیین سیاست های انرژی، تغییرات آب و هوایی و محیط زیستی ناشی از مصرف برخی سوخت ها و انرژی های جایگزین را در بر می گیرد (Winston, ۲۰۰۷: ۱). از این رو، امنیت انرژی عامل بسیار مؤثری در نحوه رفتار سیاسی- اقتصادی کشورها و سیاست های امنیتی بین

در سال-های اخیر، انرژی یکی از ستون-های اصلی رشد و توسعه اقتصادی جهان بوده است. اقتصادهای پیشرفته امروزی متکی به نفت، گاز طبیعی، ذغال سنگ و اورانیوم هستند و غالباً این کالاها را وارد می-کنند. ژئوپلیتیک انرژی را می-توان مطالعه و بررسی تأثیرگذاری متغیر انرژی بر سیاست و تصمیم-گیری سیاسی در جهت کسب، افزایش و حفظ قدرت تعریف کرد (مصلی نژاد و حق شناس، ۱۳۹۰: ۱۸۰).

تبدیل منبع انرژی اروپا از زغال سنگ به نفت وارداتی، بنیان ژئوپلیتیک انرژی جهان را تغییر چشمگیری داده است. در دهه های گذشته، خلیج فارس به چهارراه انتقال منابع انرژی به آسیا، اروپا، آفریقا و قاره آمریکا تبدیل شده است. نفت، خون صنعت مدرن، به وفور در منطقه خلیج فارس به عنوان قلبی که این خون در آن جریان دارد و یکی از بزرگترین انبارهای انرژی هیدروکربنی دنیا (که تقریباً دوسوم ذخایر اثبات شده نفت دنیا را در خود جای داده) یافت می شود. جفری کمپ [۳] منطقه خلیج فارس به همراه مناطق پیرامونی آن را «بیضی استراتژیک انرژی» نامیده است. (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳: ۶۴) از این رو می توان گفت که کشورها در تعریف روابط خارجی خود با یکدیگر، نقش انرژی به عنوان یک مولفه تاثیر گذار در گسترش سطح روابط را در نظر دارند و این امر در شکل دهی به روابط دوجانبه به ویژه میان تولیدکنندگان و مصرف کنندگان انرژی، می تواند به صورت امری کلیدی و متغییری تاثیر گذار، در نظر گرفته شود.

ب. امنیت انرژی [۴]



المللی است. (Ebinger, ۲۰۱۰: ۲)

در مجموع در مورد امنیت انرژی می توان تأکید داشت که چنانچه هرگونه موازنه تولید [۹] و مصرف انرژی [۱۰] با تغییر همراه باشد، این تغییر بر معادلات اقتصادی کشورها اثر می گذارد و حالت هایی از امنیت ناپایدار [۱۱] ایجاد خواهد شد. از این رو، مصرف کنندگان و وارد کنندگان انرژی منظور خود از امنیت انرژی را اینطور ترسیم می کنند که این کالای استراتژیک [۱۲]:

- در زمان مناسب
- به میزان مناسب و
- با قیمت مناسب به بازار آنها برسد. (امینیان، ۱۳۹۲)

۳- ذخایر نفتی ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس

منطقه خلیج فارس عظیم ترین ذخایر نفتی جهان را دارد و کشورهای پیرامون آن از کانون های بسیار تعیین کننده در ساختار جهانی نفت هستند و به این دلیل در ساختار اقتصادی، سیاسی و امنیتی بین المللی جایگاه ویژه ای دارند. با توجه به چشم انداز مصرف و تقاضای نفت در دهه های آینده، موقعیت کشورهای نفتی این منطقه در معادله ثروت و قدرت جهانی توسعه و تداوم خواهد یافت. در پایان سال ۲۰۱۳ کشورهای پیرامون خلیج فارس نزدیک به ۷۱۸ میلیارد بشکه ذخایر اثبات شده نفت خام دنیا (بیش از ۶۲٪ ذخایر جهان) را در اختیار داشته اند (BP statistical year book: ۲۰۱۳). در یک سده گذشته، ایران و خلیج فارس به تدریج موقعیتی بی سابقه در بازار جهانی نفت بدست آورده اند و بسیاری از فراز و فرودهای سیاسی - اقتصادی کشورهای نفت خیز این حوزه، ناشی از همین امر بوده است. در میان کشورهای حوزه خلیج فارس، عربستان سعودی با ۹/۲۶۵ میلیارد بشکه، ایران با ۱۵۷/۳ میلیارد بشکه، عراق با ۳/۱۴۰ بشکه، کویت با ۵/۱۰۱ میلیارد بشکه و امارات متحده عربی

با ۹۸/۸ میلیارد بشکه نفت خام بالاترین میزان ذخایر اثبات شده منطقه خلیج فارس و خاورمیانه را در اختیار دارند (ibid). مجموع میدان های نفتی کشف و اثبات شده ایران تا اوایل سال ۲۰۱۳، ۱۵۷ میلیارد بشکه بوده است که حدود ۱/۱۳ درصد از کل ذخایر جهانی نفت را تشکیل می دهد. عربستان سعودی نیز با ۲۶۵/۲ میلیارد بشکه حدود ۲۲ درصد از سهم جهانی نفت در جهان را در خاک خود جای داده است (ibid). کشورهای خلیج فارس در سال ۲۰۱۲ کم و بیش همه ذخایر مازاد تولید [۱۳] نفت جهان را داشته اند. توجه به نفت خلیج فارس از جنبه های زیر اهمیت فراوانی دارد:

- حدود ۶۵٪ درصد از ذخایر اثبات شده نفت جهان در اختیار این کشورها است و ۴۵٪ درصد این ذخایر در سه کشور عربستان، ایران و عراق می باشد.
- میانگین هزینه تولید در کشورهای مذکور، پایین ترین هزینه تولید نفت در جهان است.
- این منطقه به آبهای آزاد جهان متصل است و نفت پس از تولید و پالایش [۱۴] به راحتی قابل فرستادن به همه نقاط دنیا است.
- نکته مهم تر راجع به این منطقه، در مورد جمعیت آن است که اگر بخواهیم نسبت آن را با میزان مصرف انرژی بسنجیم و سپس آن را با جمعیت جهان مقایسه کنیم، موقعیت به مراتب بهتری برای منطقه فوق رقم می خورد. خلیج فارس با سهم ۲ درصدی از جمعیت جهان، ۶۵ درصد ذخایر انرژی دنیا در آن واقع شده است (خداپرست و صیادی، ۱۳۹۵: ۲۲۲).
- با هر گونه بی ثباتی در این منطقه، می توان شاهد بحرانی بزرگ در اقتصاد جهان بود. بنابراین قدرت های بزرگ تلاش می کنند حتی المقدور از شکل گیری روندهای برهم زننده امنیت در خلیج فارس



در ۲۰۱۱ چین با خریداری ۵۴۳ هزار بشکه از نفت ایران، ۲۲ درصد از بازار نفت ایران را به خود اختصاص داد و اتحادیه اروپا با ۴۰۰ هزار بشکه، ۱۸ درصد، هند با ۳۴۱ هزار بشکه ۱۳ درصد، ژاپن با ۲۵۲ هزار بشکه ۱۴ درصد، کره جنوبی با ۲۳۹ هزار بشکه ۱۳ درصد، ترکیه با ۲۱۷ هزار بشکه ۷ درصد، همگی شش کشور نخست خریدار نفت ایران بوده اند.

(نمودار ۵)

در جدول زیر نیز میزان صادرات نفت ایران در سال ۲۰۱۲ به کشورهای دنیا را می-توان دید که گویای این است که بزرگترین کشور خریدار نفت ایران، چین است. اما در این سال از میزان صادرات نفت ایران به چین کاسته شد.

(نمودار ۶) (source: eia)

در این سال ایران به صورت میانگین ۴۳۹ هزار بشکه در روز (۲۴٪) نفت خود را به چین صادر کرده است. اتحادیه اروپا با ۷٪ و میانگین ۱۲۲ هزار بشکه در روز رتبه بعدی را در اختیار دارد، البته در ۴ ماه آخر سال ۲۰۱۲ اتحادیه اروپا به خاطر تحریم نفتی از خریداری نفت ایران خودداری ورزید. ژاپن با ۱۰٪ روزانه ۱۸۹ هزار بشکه نفت از ایران خریداری کرد، هند با ۱۲٪ روزانه ۲۲۰ هزار بشکه و کره جنوبی با ۸٪ روزانه ۱۵۳ هزار بشکه و ترکیه نیز مانند اتحادیه اروپا با ۱۲۱ هزار بشکه، در رتبه های بعد هستند (www.rhg.com). در مقطع زمانی سال ۲۰۱۳ نیز چین همچنان بزرگترین مقصد صادرات نفت ایران با ۴۰۲ هزار بشکه در روز بوده است. جدول زیر چهار کشور اول خریدار نفت ایران را نشان می دهد.

(نمودار ۶)

Source: cia.gov

در ۲۰۱۳ حلقه تحریم های [۱۷] مربوط به بخش انرژی، تنگ تر شد، به

جلوگیری به عمل آوردند.

همانطور که در جدول زیر دیده می شود، طبق آمار آژانس بین المللی انرژی [۱۵] در ۲۰۱۳، که ده کشور برتر از لحاظ میزان ذخایر اثبات شده انرژی دنیا را نشان می دهد، پنج کشور عربستان، ایران، عراق، کویت و امارات متحده عربی هر کدام به ترتیب با ۲۶۸، ۱۵۵، ۱۴۱، ۱۰۴ و ۹۸ میلیارد بشکه، جملگی در منطقه خلیج فارس واقع شده اند و این خود اهمیت منطقه مزبور را می رساند.

(نمودار ۱)

بر سر هم، کشورهای واقع در منطقه خلیج فارس روزانه ۲۳ میلیون بشکه، معادل ۳۰ درصد از نفت جهان را تولید می کنند. فزون بر این، برآوردها و محاسبات سازمان انرژی آمریکا نشان می دهد که ظرفیت تولید نفت خلیج فارس تا ۲۰۲۰ به ۴۴/۵ میلیون بشکه در روز می رسد (میررضوی و احمدی لفورکی، ۱۳۸۳: ۹۴). در جدول زیر نمودار سهم هر کدام از اعضای اوپک [۱۶] نیز در سال ۲۰۱۲ نشان داده شده و ایران به عنوان سومین دارنده ذخایر اثبات شده جهان با ۱۳/۱ درصد جایگاه سوم در اوپک و در جهان را دارد. سازمان اوپک هم مجموعاً ۸۱ درصد از ذخایر اثبات شده نفت دنیا را دارا می باشد.

(نمودار ۲)

بر طبق نمودار زیر که گویای میزان صادرات نفت ایران در ۲۰۱۰ است، چین با میزان ۲۰ درصد، بیشترین سهم را در خریداری نفت از ایران داشته و ژاپن، هند، کره و ایتالیا در رتبه های بعدی جای دارند.

(نمودار ۳)

در جدول زیر نیز شمار بشکه های نفت صادراتی ایران به چین و دیگر کشورها در سال ۲۰۱۰ دیده می شود.

(نمودار ۴) (Source: www.endofcrudeoil.com)



امنیت انرژی برای کشورهای دنیا موضوعی حیاتی است. البته باید بدین نکته توجه داشت که امنیت انرژی برای کنشگران بین المللی معنایی نسبی دارد؛ چراکه مثلا برای چین امنیت نفت مهم ترین مسئله در موضوع امنیت انرژی است و برای کشورهای دیگر امنیت گاز یا دیگر انرژی ها مطرح می باشد. امنیت نفت برای چین در مرکز بحث امنیت انرژی قرار دارد و آن از پنج بخش زیر تشکیل شده:

- برقراری روابط حسنه و متقابل با دولت های تولیدکننده و دارنده بیشترین ذخایر نفت جهان، همچون ایران و عربستان (Harry Lai, ۲۰۰۷: ۵۱۹).

- تضمین امنیت انرژی دریایی برای انتقال مطمئن نفت به چین؛
- تلاش برای رفع اختلافات با هرکدام از کشورهای اصلی صادرکننده نفت از طریق دیپلماسی فعال؛

- تلاش برای رفع تحریم های نفتی از طرف کشورهایی که چین با آنها در این زمینه اختلاف نظر دارد؛

- در پیش گرفتن دیپلماسی نفت پایه [۱۸] و گسترش دادن آن در سطح منطقه ای از طریق شعار چندجانبه گرایی (۲۰۱۳: ۹) (Jiantin)؛
با قدرت گیری دنگ شیائوپینگ [۱۹] در ۱۹۷۶ و سیاست های او مبنی بر بازسازی سریع اقتصادی چین و سیاست درهای باز، اقتصاد چین به مرور زمان فرایند رشد سریع خود را آغاز کرد؛ تا جایی که این کشور از یک صادر کننده نفت (تا ۱۹۹۲)، در سالهای اخیر به دومین مصرف کننده و وارد کننده نفت تبدیل شده است (۲۰۱۰: ۲) (Zahirinejad). به دنبال این برنامه و افزایش رشد اقتصادی، به صورت طبیعی تقاضا برای انرژی و مواد خام در این کشور افزوده شده، تا جایی که چین در سال ۲۰۰۳ با پیشی گرفتن از ژاپن به دومین مصرف کننده نفت جهان تبدیل شد. چین با داشتن بالاترین میزان نرخ مصرف و نیز برخورداری از سریع ترین رشد

گونه ای که میانگین صادرات نفتی ایران، برابر با یک میلیون و دویست هزار بشکه در سال بود، که از این رقم چهار کشور چین، ژاپن، هند و کره جنوبی ۹۰۸ هزار بشکه در روز از ایران خریداری کرده بودند و ۲۹۲ هزار بشکه دیگر به دیگر کشورها عرضه شد. در واقع، به این دلیل سهم (درصد) چین از بازار نفت ایران افزایش پیدا کرده، که میزان صادرات نفت ایران بر اثر تحریم ها به دیگر کشورها کاهش یافته و چین به مقصد اصلی برای عرضه نفت ایران در بازار آن کشور تبدیل شد. ایران با صادرات ۴۲۹ هزار بشکه در روز، ۳۴٪ از نفت خود را به این کشور فروخت، که از این حیث به مانند سالهای گذشته در جایگاه نخست قرار دارد. هند به صورت میانگین روزانه ۱۹۵ هزار بشکه (۱۶٪)، ژاپن روزانه ۱۷۷ هزار بشکه ۱۵٪ و کره جنوبی نیز با ۱۳۴ هزار بشکه و سهم ۱۱٪ از خرید نفت ایران، به ترتیب در رتبه های بعدی این بازار جای دارند. بر سر هم، آمارهای بالا به عنوان سندی گویا، این مهم را به ذهن پژوهشگران و تحلیل گران متبادر می سازد که کشور چین در سیاست خارجی ایران از اهمیت شایان توجهی برخوردار بوده؛ چرا که در مقطع حساس تاریخی تحریم های بین المللی، نقش مهمی در جلوگیری از بدتر شدن اوضاع اقتصادی ایران (با توجه به رانتیر و تک محصولی بودن آن) ایفا نمود؛ در این سالها ایران به دلیل پرونده هسته ای و نگرانی های کشورهای غربی از این حیث، تحت فشار شدیدی قرار داشته و روز به روز بر شدت تحریم ها (به ویژه در دوران اصولگرایی) افزوده می گشت. بنابراین چین با خرید نفت ایران، تأثیر زیادی بر عدم رکود بیشتر در اقتصاد ایران داشت و همین امر موجب توجه تهران برای گسترش هرچه بیشتر روابط با پکن شد. البته نکته مهم تر اینکه در این باره باید به نیازهای طرف چینی نیز توجه کافی مبذول داشت.

۴- چین و سیاست واردات نفت



موجب برهم خوردن این چرخه و باعث تضعیف رابطه چین با دارندگان اصلی نفت جهان در خلیج فارس شود، جلوگیری کرد (Ziegler, ۲۰۱۱).

واقعیت آن است که رابطه ای مستقیم بین رشد اقتصادی چین و انرژی وارداتی وجود دارد؛ یعنی به صورت طبیعی هرچه صنعت و اقتصاد چین سرعت بیشتری به خود بگیرد، به نسبت تقاضا برای انرژی نیز افزایش می یابد و البته عکس این گفته نیز می تواند صادق باشد؛ یعنی اینکه هرچه امنیت انرژی و به صورت ویژه نفت، رو به کاهش برود، این امکان وجود دارد که در آینده از سرعت پیشرفت اقتصادی این کشور کاسته شود. چین از جمله کشورهایی است که حجم و ذخایر عظیمی از ذغال سنگ دنیا را دارد و ۶۹ درصد از نیازهای مربوط به انرژی چین را این کالا تأمین می کند. مصرف ذغال سنگ چین به طور متوسط از سالهای ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۳ ۲۰ سالیانه حدود ۱۴۰۰ میلیون تن بوده است (www.scribd.com). در جدول زیر سهم هر کدام از انرژی های مصرفی در این کشور در سال ۲۰۱۱ نشان داده شده است.

(نمودار ۷)

ذغال سنگ با میزان ۶۹ درصد در رتبه نخست مصارف چین قرار دارد، نفت با ۱۸ درصد مقدار ناچیزی از نیاز چین به انرژی را پوشش داده و انرژی های هیدروکربنی با ۶ درصد، گاز ۴ درصد، انرژی هسته ای ۱ درصد و دیگر منابع ۱ درصد در رتبه های بعد هستند (EIA, ۲۰۱۱). بر طبق پیش بینی ها، ارقام بالا در دهه های آینده تغییر خواهند کرد و بر میزان تقاضا برای نفت افزوده و از میزان مصرف ذغال سنگ کاسته می شود (Davis and others, ۲۰۱۳: ۱۳). در این سال چین با مصرف ۹۲۷۲ میلیون بشکه در روز، دومین کشور بعد از ایالات متحده آمریکا، در

اقتصادی دنیا، نگرانی زیادی در زمینه تضمین جریان انرژی مورد نیاز خود در زمان حال و آینده دارد؛ چرا که دستیابی مطمئن به منابع انرژی، از عوامل اساسی در تضمین رشد اقتصادی چین می باشد. پیش بینی می شود در دهه های آینده، مسئله امنیت انرژی به راهبردی ترین مسئله برای چین مبدل شود (مصلی نژاد و حق شناس، ۱۳۹۰: ۱۷۷).

از آنجا که یکی از مشکلات اصلی چین در بخش تأمین امنیت انرژی، نبود امکان ایجاد ذخایر استراتژیک [۲۰] قابل اتکاء و دسترسی مطمئن به انرژی در شرایط بحرانی است، از این رو برقراری و تداوم ارتباط با کشورهای نفت خیز جهان اجتناب ناپذیر است (Xuewen, ۲۰۱۰: ۶۵). چینی ها درک کرده اند که انرژی نیز میتواند حوزه ای برای آسیب پذیری باشد؛ به ویژه اگر تسلط آمریکا بر بسیاری از بازارهای بزرگ نفتی جهان را مد نظر قرار دهیم، این کشور می تواند از این مهم به عنوان حربه ای مناسب جهت ضربه زدن به یکی از رقبای اصلی خود، برای نمونه چین، بهره گیرد. چین و ایالات متحده که در ۲۰۱۰ حدود ۳۳ درصد از نفت مصرفی جهان را به خود اختصاص داده بودند، با توجه به تهدیدهایی که در آینده محتمل است، ممکن است برای تأمین امنیت انرژی به رقابت با همدیگر و با سایر کنشگران همچون ژاپن و اتحادیه اروپا بپردازند.

آمریکایی ها در مقایسه با چینی ها موقعیت به مراتب بهتری در خلیج فارس دارند. آمریکایی ها مدت های مدیدی است که در منطقه حضور دارند ولی از حضور چینی ها در این بازار رقابتی، دو دهه بیشتر نمی گذرد. اشراف داشتن ایالات متحده بر اکثر کشورهای اصلی صادر کننده نفت در این منطقه، یکی از مشکلات غیر قابل حل چین در مورد تأمین امنیت انرژی خود در این منطقه که قلب انرژی جهان است، می باشد. مقامات پکن نسبت به این مسئله آگاهند که رشد و پیشرفت اقتصادی آنها به نفت خلیج فارس بستگی زیادی دارد، و مهم اینکه باید از هرگونه عاملی که



افزوده شد. به همین ترتیب هر چه به دهه دوم سده ۲۱ نزدیک می شویم، بر واردات نفت چین افزوده شده و اینک به دومین وارد کننده نفت پس از ایالات متحده آمریکا تبدیل شده است. جدول زیر به روشنی اختلاف میان نیازهای نفتی چین و توانایی تولید داخلی را از ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۴ نشان می دهد.

(نمودار ۸)

البته مسائل مربوط به امنیت انرژی، فقط مختص به چین نیست و دیگر کشورهای اصلی مصرف کننده آن چون آمریکا، ژاپن و هند نیز از این مسئله نگران هستند. از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۳ آمریکا، چین، ژاپن و هند که به ترتیب بزرگترین وارد کننده نفت خام بوده اند، از لحاظ نگرانی در باب امنیت انرژی نیز در صدر بوده اند. همانطور که در جدول زیر مشخص است، از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ از میزان واردات نفت ایالات متحده با استفاده از انرژی های تازه (مانند نفت شنی) کاسته شد و در مقابل میزان واردات نفت چین افزایش پیدا کرد و روند صعودی به خود گرفت. این افزایش سریع تقاضا در حالی صورت پذیرفت که مقدار تولید نفت در داخل چین با میزان تقاضا برای مصرف همسان و برابر نمی باشد و اختلاف فاحشی میان آنها وجود دارد.

(نمودار ۱۰)

میزان رشد سالیانه واردات [۲۲] نفت چین در مقایسه با سه کشور اصلی وارد کننده نفت (آمریکا، ژاپن و هند) نیز دارای اهمیت می باشد.

(نمودار ۹)

افزایش وابستگی به نفت وارداتی، احساس رو به تزاید «ناامنی» در حوزه انرژی [۲۳] را در میان رهبران چین برانگیخته است. آنان نگرانند که اختلال در عرضه نفت و یا افزایش بسیار زیاد قیمت آن، تداوم توسعه اقتصادی این کشور را به خطر اندازد. اهمیت این نگرانی و دغدغه رهبران

زمینه مصرف نفت بود. با این حساب اگر از مصرف ذغال سنگ کاسته شود، چون دیگر منابع از جمله گاز و انرژی هسته ای جوابگوی نیازمندی های انرژی چین نمی باشند، نفت اهمیت بیشتری پیدا خواهد نمود و نکته مهم اینجاست که به دلیل فقر منابع نفتی در چین و بهره برداری سخت آنها، به شدت بر واردات نفت از خارج وابستگی پیدا می کند. در سند و برنامه های امنیت ملی چین نیز به این نکته اشاره شده که در بلند مدت باید نفت جایگزین مصرف دیگر سوخت های فسیلی شود (Xuewen, ۲۰۱۰: ۶۶). در سالهای اخیر چینی ها به این امر پی برده اند که در مقایسه با مصرف و بازدهی [۲۱] دیگر سوخت های فسیلی با ذغال سنگ، تفاوت و فاصله زیادی میان آنها وجود دارد، بنابراین باید به سوی سیاست هایی در زمینه انرژی رفت که مصرف دیگر سوخت ها از جمله نفت و گاز سهم بیشتری داشته باشند. بنابراین اینطور گفته شده که به مرور مصرف دیگر سوخت های فسیلی به دو دلیل باید جایگزین ذغال سنگ شود:

- اولاً ذغال سنگ از زمره سوخت هایی است که ضررهای غیر قابل جبرانی بر آلودگی هوا بر جای می گذارد.

- فرایند بهره برداری از ذغال سنگ و تبدیل آن به سوخت مصرفی نسبت به نفت و گاز بسیار زمان بر و هزینه بر است.

برخی برآوردها که توسط مؤسسات و مراکز تحقیقاتی همچون «آژانس بین المللی انرژی» انجام شده، گویای این است که مصرف نفت این کشور تا ۲۰۲۰ به ۱۲ میلیون بشکه در روز و تا ۲۰۳۰ به ۱۶ میلیون بشکه در روز خواهد رسید (www.eia.gov). تا ۱۹۹۳ میزان تولیدات چین با میزان مصرف و تقاضای داخلی برابر بود و میزان تولید نفت چین حدود ۵/۲ میلیون بشکه در روز بود. اما در سال ۲۰۰۰ میزان تولید داخلی در حد همان ۵/۲ میلیون بشکه در روز باقی ماند، ولی بر میزان واردات نفت



تولید

چین هنگامی روشن ترمی شود که توجه داشته باشیم که توسعه اقتصادی و تداوم آن، مهم ترین ابزار مشروعیت حزب کمونیست چین است (شریعت نیا، ۱۳۸۷: ۲۵). البته مقامات پکن پیامدهای این نوع وابستگی دائمی [۲۴] به نفت را درک کرده اند و در صدد جایگزینی سوخت های دیگری بر آمده اند که خود فرایندی زمان بر و هزینه بر است. به همین دلیل استراتژی ای که چین برای دهه های آینده در زمینه امنیت انرژی خود ترسیم کرده، مبتنی بر رابطه بسیار حسنه با کشورهای برخوردار از منابع غنی انرژی و نفت همچون ایران است. بر سرهم، می توان چنین گفت که افزایش قیمت انرژی، اختلال در تأمین و انتقال انرژی و بحران در مناطق حساس جهانی از جمله خلیج فارس، ضربه هولناکی به امنیت انرژی چین وارد می کند. با اینکه چین میزان تولید خود را بالا برده و پیش بینی می شود تا سال ۲۰۲۰ به ۵ میلیون بشکه در روز برسد؛ ولی نیازش به نفت ۲/۵ برابر این میزان خواهد بود و بهترین محل برای تأمین آن جایی جز خلیج فارس نخواهد بود (Jin, ۲۰۰۵: ۱۱-۱۲). در مجموع و به صورت آماری، میزان تولید، مصرف و واردات چین طی سالهای ۲۰۰۸ تا پایان سال ۲۰۱۳ به خوبی نشانگر افزایش نیازهای نفتی کشور چین است.

مصرف

سال

۷۴۳۹

۷۸۲۳

۸۲۲۹

۹۲۷۲

۱۰۲۲۱

۱۰۲۸۳

۲۰۰۸

۲۰۰۹

۲۰۱۰

۲۰۱۱

۲۰۱۲

۲۰۱۳



بیشتر انجام می شود، به دریا راه دارد و نفت به دست آمده به راحتی قابل حمل است، از طرف دیگر نفت ایران سازگاری بیشتری با پالایشگاه ها و کارخانه های چینی دارد.

- با توجه به اینکه ایران همیشه کشوری بوده که به قراردادهای خود پایبندی نشان داده، پس می تواند منبعی قابل اطمینان برای تهیه نفت باشد.

- یکی دیگر از دلایل توجه چین به ایران، به رقابت آن با ایالات متحده آمریکا بر می گردد. با توجه به اینکه آمریکا حضور فعالی در عربستان سعودی و منطقه خلیج فارس دارد، همکاری با ایران می تواند نوعی توازن در زمینه انرژی میان چین و آمریکا برقرار کند. (Davis and others, ۲۰۱۳: ۷)

بر این مبناست که ایران همیشه در سیاست انرژی چین از اولویت زیادی برخوردار بوده و مواردی که در بالا گفته شد خود موجب توجه شرکت های نفتی چین برای سرمایه گذاری در مناطق نفت خیز ایران شده است. چینی ها سعی دارند از این فرصت پیش آمده که از یک طرف بسیاری از شرکت های نفتی سرمایه های خود را از ایران خارج کرده اند یا آن را کاهش داده اند و از طرف دیگر نیازهای ایران به سرمایه گذاران خارجی (Lynn, ۲۰۱۴) بیشترین بهره را ببرند و خود را به عنوان جایگزین شرکت های غربی مطرح کنند. با خروج و کاهش سرمایه گذاری شرکت های بزرگ نفتی جهان همچون شل [۲۶]، توتال [۲۷] فرانسه، شلمبرگر [۲۸]، اوپل [۲۹] و بی پی [۳۰] از صنعت نفت ایران به بهانه تحریم ها، وزارت نفت ایران در طول یک دهه گذشته با شرکت های چینی، همچون شرکت خدمات ملی چین [۳۱]، شرکت نفت فلات قاره چین و ساینوپک [۳۲] (موسوی، ۱۳۹۲) قراردادهای متعددی برای توسعه میادین نفت و گاز، ساخت و توسعه پالایشگاه ها، ساخت دکل های حفاری و فعالیت های

Source: (Annul statistical bulletin OPEC, ۲۰۱۳ and BP (statistical review of world energy, ۲۰۱۳

۵- چین و نفت ایران

منطقه خلیج فارس به جهت برخورداری از ذخایر غنی انرژی، پتانسیل برآورده کردن نیازهای انرژی چین را دارند. ایران نیز با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیکی و منابع فراوان نفتی، برای بازیگران مهم عرصه جهانی از جمله چین اهمیت زیادی دارد. ایران بین دو منطقه نفت خیز دنیا، یعنی دریای خزر که در آینده با سرمایه گذاری توسط شرکت های نفتی به یکی از قطب های انرژی دنیا تبدیل خواهد شد و خلیج فارس که از آن با عنوان «قلب انرژی دنیا» [۲۵] نام می برند، قرار دارد. ایران تا سال ۲۰۱۳ سومین کشور دارنده ذخایر نفت دنیا شناخته شده و علاوه بر این از صادرکنندگان اصلی نفت و گاز در جهان نیز هست. (صادقی، ۱۳۹۴) چین نیز همانطور که در بالا گفته شد، جزء کشورهای اصلی مصرف کننده و وارد کننده نفت در دنیا است، که منطق آن هم پاسخگویی به اقتصاد و صنعت با رشد شتابان این کشور است. چینی ها به دلایلی که در زیر آورده می شود، همواره اهمیت زیادی برای رابطه با ایران قائل بوده اند که البته دال مرکزی همه آنها نیاز به انرژی و تضمین امنیت آن بوده است:

- ایران کشوری است که به هیچ ابرقدرتی از لحاظ منابع انرژی وابستگی ندارد و این با سیاست های چندجانبه گرایانه چین در سطح بین المللی همخوانی دارد.

- ایران (و در کل خلیج فارس) به نسبت دیگر کشورهای تولید کننده نفت، فاصله کمتری تا چین دارد و این یعنی کاهش هزینه ها و تسریع در روند مراودات نفتی دو کشور.

- هزینه سرمایه گذاری و تولید نفت و انتقال به چین در ایران جزء ارزان ترین مناطق به شمار می رود، چرا که عملیات اکتشاف با سرعت



ایران از میدان نفتی آزادگان در حال حاضر ۵۰ هزار بشکه در روز است، در حالی که عراقی ها با اجرای طرح های توسعه ای که داشته اند، به میزان ۱۸۰ هزار بشکه نفت در روز از این میدان بهره برداری به عمل می آورند. پیش بینی می شود بعد از اتمام این طرح، حدود ۵۰ هزار بشکه بر این مقدار تولید فعلی افزوده شود. طبق گزارشی که چینی ها منتشر کرده اند، در زمان بستن این قرارداد (۱۳۸۵) فشار زیادی از جانب امریکا برای عقب نشینی از این قرارداد به آنها وارد شده بود، ولی شرکت ساینوپک از پذیرش آن سرباز زده و به ادامه فعالیت های خود با ایران پرداخت. (Dorraj and Carriel, ۲۰۰۸)

۶-۲ قرارداد یادآوران [۳۴]

این قرارداد در سال ۲۰۰۷ میان شرکت ملی نفت ایران (NIOC) و شرکت ساینوپک چین بسته شد (۳۵۹: ۲۰۱۱، Dannreuther). میزان ذخایر نفتی اثبات شده این میدان بر اساس آمار آژانس بین المللی انرژی حدود ۳/۲ میلیارد بشکه برآورد شده است. پیش بینی می شود با عملیاتی شدن این قرارداد (یادآوران) میزان برداشت نفت از این میدان از ۲۵ هزار بشکه در روز با تکمیل فاز اول به ۸۵ هزار بشکه و با تکمیل فازهای بعدی، به ۱۸۵ هزار بشکه در روز برسد (۲۰۱۳، Hoffman). این معامله بزرگ [۳۵] همچنین سرمایه زیاد چینی ها را در اکتشاف انرژی ایران، حفاری، تولید، پتروشیمی و کارخانه های گاز طبیعی وارد می کند. قرارداد میدان نفت و گاز یادآوران و احداث کارخانه تصفیه گاز بر اساس روش بیع متقابل [۳۶] صورت گرفته است. این قرارداد که «قرارداد قرن» [۳۷] لقب گرفته، از اهمیت زیادی برای طرفین برخوردار است. بر اساس مفاد این قرارداد، دو کشور توافق کردند که پس از پایان طرح، ایران روزانه ۱۵۰ هزار بشکه نفت از میدان مذکور به چین صادر کند و مدت آن هم ۲۵ سال آورده شده است. همچنین از تعهدات شرکت چینی، خریداری

اکتشافی امضا کرده است (روزنامه اعتماد، ۱۳۹۲). همکاری انرژی چین در ایران صرفا در حوزه صادرات و واردات نفت خلاصه نمی شود؛ بلکه روند ارتقاء میزان همکاری های انرژی به سرمایه گذاری های کلان جهت اکتشاف، تأمین تجهیزات، تأمین تکنولوژی و... نیز تسری یافته است که در زیر به برخی از آنها اشاره خواهد شد:

- توسعه و ساخت میادین نفت و گاز آزادگان جنوبی و شمالی؛
- عملیات حفاری در میادین آزادگان و یادآوران؛
- طرح اکتشاف و توسعه میادین و چاههای نفتی گرمسار؛
- طرح توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی؛
- امضای قراردادهای ساخت دکل های حفاری در خشکی و دریا؛
- قرارداد مربوط به توسعه میادین نفتی مسجد سلیمان؛
- مشارکت در طرح توسعه پالایشگاه های نفت شازند و اصفهان (محمدخانی، ۱۳۹۲).

۶-۳ قرارداد نفتی برجسته میان ایران و چین

۶-۱-۱ قرارداد آزادگان [۳۳]

آزادگان از مهم ترین میادین نفت ایران است که حدود ۲۶ میلیارد بشکه ذخایر اثبات شده نفت دارد (www.eia.gov). پیچیدگی های زمین شناسی بر مشکل استخراج و بهره برداری از نفت این منطقه افزوده است. منطقه مذکور به دو بخش آزادگان شمالی و جنوبی تقسیم می شود که چینی ها بیشتر در بخش شمالی مشغول به فعالیت هستند. در ۲۰۰۴ نیز شرکت ملی نفت چین (۲۵٪) و اینپکس ژاپن (۷۵٪) برای توسعه بخش جنوبی میدان یادداشت تفاهمی امضا نمودند. با این حال شرکت ژاپنی به دلیل تحریم ها فعالیت خود را در آزادگان متوقف نمود. میدان نفتی آزادگان که مشترک با عراق است، برای افزایش تولید و بهره برداری از آن در سال ۱۳۸۵ به شرکت ساینوپک چین واگذار گردید. میزان تولید روزانه



۲۰۰۲

سالیانه ۱۰ میلیون تن گاز مایع (LNG) در همین محدوده زمانی (۲۵ ساله) از ایران می باشد. به دنبال این قرارداد، شرکت ساینوپک قرارداد نفتی برای حفاری و کشف چاه های نفتی در کوهدشت در غرب ایران را نیز به امضا رساند.

مسجد سلیمان

نفت

شرکت ملی نفت چین و شرکت انرژی کانادا

۸۰ میلیون دلار

۲۰۰۴

یادآوران

نفت و گاز

ساینوپک چین

۲ میلیارد دلار

۲۰۰۶

توسعه پالایشگاه اراک

نفت

ساینوپک چین

۹۵۹ میلیون دلار

۲۰۰۶

۳-۶ قرار داد توسعه میادین نفتی مسجدسلیمان [۳۸]

هدف از اجرای طرح توسعه میدان نفتی مسجد سلیمان، افزایش تولید ۲۵ هزار بشکه در روز نفت خام می باشد. ارزش قرارداد طرح توسعه میدان نفتی مسجدسلیمان با شرکت چینی حدود ۲۰۰ میلیون دلار برآورد شده است. میدان نفتی مسجدسلیمان، نخستین و قدیمی ترین میدان نفتی در خاورمیانه، در شهرستان مسجدسلیمان و استان خوزستان واقع شده که در سال ۱۲۸۷ خورشیدی (۱۹۰۸ میلادی) توسط یک شرکت انگلیسی کشف شد (یزدانی و اکبریان، ۱۳۹۱: ۳۳۱). در زیر بصورت دقیق مهم ترین طرح های توسعه و سرمایه گذاری چین در بخش انرژی ایران نشان داده شده است.

سال

محل سرمایه گذاری

حوزه

شرکت

ارزش قرارداد



چینی ها همزمان روابط خود با ایران را در سطوح دیگر علاوه بر ابعاد اقتصادی و سیاسی و در زمینه های نظامی، فرهنگی و اجتماعی گسترش داده اند و این خود گویای تأثیر مراودات نفتی، بر دیگر زمینه های همکاری میان دو کنشگر است. منطق این امر نیز روشن به نظر می رسد. چینی ها با توجه به اینکه بزرگترین شریک تجاری عربستان سعودی هستند و این کشور را به عنوان غول نفتی دنیا می شناسند، از دیرباز به منابع نفت این کشور توجه فراوانی داشته اند. اما در اینجا مانع مهمی سد راه چین شده و آن حضور مداوم و سیطره کامل آمریکا بر بازار مبادلات نفتی عربستان می باشد. از این رو ایران با دارا بودن مقادیر عظیمی از نفت دنیا (۱۵۷ میلیارد بشکه)، اهمیت زیادی برای بسیاری از کشورهای مصرف کننده انرژی بویژه چین دارد. چینی ها تلاش دارند تا برای تضمین جریان عادی، مطمئن، مستمر و پایدار نفت ایران به سوی پکن، وارد هیچ گونه درگیری ای با ایران نشوند و ملاحظات سیاسی و امنیتی بر این مهم تأثیری نداشته باشد. مصداق عینی آن در جریان پرونده هسته ای ایران اتفاق افتاده، که در آن مقامات پکن همواره تلاش کرده اند در مسیر میانه حرکت کنند. واقعیت آن است که چین در تعیین روابط خود با کشورهای گوناگون، رعایت اصول ساختار اقتصاد و سیاست جهانی را به طور جدی مد نظر قرار می دهد، و این در حالی است که ایران همواره مخالف این ساختار بوده و مترصد فرصت مناسبی برای تغییر سازوکار برقرار شده توسط قدرت های بزرگ می باشد. با این حال، چین توانسته با استفاده از دیپلماسی فعال دوجانبه و چندجانبه، بین این دو رویکرد توازن برقرار کند؛ یعنی اینکه هم اصول حاکم بر سیاست ها و بازپهای بین المللی را رعایت کند و هم به مراودات عادی خود با ایران تداوم بخشد. می توان گفت که بخش مهمی از این خط مشی پکن، بر اساس نیازهای انرژی این کشور تعریف شده است (Kent, ۲۰۰۶: ۳).

پارس جنوبی

گاز

شرکت ملی نفت چین

۱۶میلیار دلار

۲۰۰۹

آزادگان

نفت

شرکت ملی نفت چین

۷۶میلیار دلار

۲۰۱۰

فاز ۱۱ پارس جنوبی

گاز

شرکت ملی نفت چین

۴/۷میلیار دلار

(Davis and others, ۲۰۱۳: ۱۵)



اما در ۲۰۱۲ میزان صادرات ایران، بر اثر تحریم های آمریکا و اتحادیه اروپا (ممنوعیت شرکت های بیمه [۳۹] از ارائه خدمات به کشتی ها و پالایشگاه های ایران) و هشدار به شرکت های خارجی فعال در بخش صنعت نفت ایران، افت زیادی داشت (۱/۵ میلیون بشکه در روز) در صورتی که میزان تولید نفت ایران در این سال ۳۶۸۰ میلیون بشکه در روز بود (BP statistical review of energy, ۲۰۱۳: ۷) موفق به فروش و صادرات مقدار زیادی از نفت تولید شده نبود؛ دلیل اصلی آن نیز مرتبط با بحث پرونده هسته ای ایران می شد (Cunninghom, ۲۰۱۴). به همین دلیل از میزان صادرات ایران به چین هم مقداری کاسته شد. در این سال صادرات نفت ایران به پایین ترین سطح خود در ۲۸ سال گذشته رسید. به صورت آماری می توان گفت که صادرات نفت ایران در این سال از ۲/۵ میلیون بشکه در ۲۰۱۱ به ۱/۵ میلیون بشکه در روز (افت ۱۷ درصدی) طی سال ۲۰۱۲ رسید. جدول زیر نمایانگر این امر است.

(نمودار ۱۱)

طبق آمارهای موجود، در سال ۲۰۱۲ چینی ها روزانه به صورت میانگین ۴۳۹ هزار بشکه نفت از ایران وارد کرده اند که این معادل ۹ درصد از کل نفت وارداتی این کشور می باشد (Farge and others, ۲۰۱۳). جدول زیر میزان واردات چین از کشورهای مختلف را در سال ۲۰۱۲ نشان می دهد.

(نمودار ۱۲)

(Source: China daily, EIA and global fact, ۲۰۱۴)

اما ۲۰۱۳، در اثر تحریم های ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا که در ارتباط با پرونده هسته ای ایران بود، مقدار زیادی از صادرات نفت ایران کاسته شد، و تحریم نفتی آمریکا همه شرکت ها و افراد حقیقی و حقوقی را از سرمایه گذاری بالای ۲۰ میلیون دلار در ایران برحذر داشت

ایران سالیانه حدود ۱۰ تا ۱۲ میلیون تن نفت به چین صادر می کند و جزء چهار کشور نخست در زمینه فروش نفت به چین است و افزون بر این، پتانسیل و ظرفیت بیشتری برای افزایش این مقدار دارد. در ادامه بر اساس محدوده زمانی تحقیق به میزان واردات نفت چین از ایران طی سالهای ۲۰۱۰ تا پایان ۲۰۱۳ اشاره می شود و تلاش خواهد شد تا بررسی شود که با توجه به اینکه رابطه با چین در سیاست خارجی ایران از جایگاه ویژه ای برخوردار است، آیا عکس این مدعا نیز صدق می کند؟ نمودار زیر مربوط به سال ۲۰۱۰ است و میزان واردات نفت چین را نشان می دهد. (نمودار ۱۰)

داده های نمودار ۱۲ نشان می دهد که عربستان سعودی و آنگولا هر کدام با ۱۸/۷۰٪ و ۱۶/۵۰٪ در رتبه های اول و دوم صادرات نفت به چین هستند. در همین سال چین ۹٪ از نیازهای نفتی خود را که به میزان ۴۲۶ هزار بشکه در روز است، از ایران وارد کرده که از این حیث، ایران در جایگاه سوم صادرکنندگان نفت به این کشور قرار داشته است. عمان (۶/۶۰٪)، روسیه (۶٪)، سودان (۵/۲۰٪)، عراق (۴/۷۰٪) و کویت (۴٪) در رتبه های بعدی جای دارند.

در نمودار بعدی که مربوط به سال ۲۰۱۱ است، می توان دید که چین در صد واردات بیشتر از ایران بر آمده که این میزان از ۹ درصد در سال ۲۰۱۰ به میزان ۱۰ درصد در سال ۲۰۱۱ رسیده است. در اینجا نیز مانند سال پیش، عربستان همچنان با ۱ درصد افزایش بر سهم مشابه سال پیش، با ۱۹ درصد بزرگترین فروشنده نفت به چین به شمار می رود. آنگولا نیز با ۳ درصد کاهش صادرات، با ۱۳ درصد در مقام دوم جای دارد. ایران نیز با ۱۰ درصد و صادرات روزانه ۵۴۳ هزار بشکه نفت به چین، در رتبه سوم بازر نفتی چین جای گرفته است.

(نمودار ۱۳)



چه جایگاهی در گسترش روابط چین و جمهوری اسلامی ایران داشته است؟ در این مقاله در نمودارهای مختلف به صورت دقیق و بر طبق آمارهای آژانس بین-المللی انرژی، اوپک، سالنامه انرژی اروپا و منابع داخلی دو کشور چین و ایران، میزان واردات و صادرات نفت دو کشور نشان داده شد و اکنون می توان با استفاده از تجزیه و تحلیلی که در نوشتار انجام شد، این چنین گفت که یافته های تحقیق حاکی از اینست که، با توجه به اینکه اقتصاد چین با سرعت فزاینده در حال رشد است و به صورت طبیعی نیازمند نفت ایران به عنوان کشوری مستقل، پایدار، غنی و قابل اطمینان می باشد و با توجه به شواهد موجود که چین بین سالهای ۲۰۱۰، ۲۰۱۱، ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ به ترتیب ۹٪، ۱۰٪، ۹٪ و ۸٪ نفت وارداتی را از ایران تأمین کرده و سرمایه-گذاری های عظیمی (بادآوران، آزادگان، مسجد سلیمان و پارس جنوبی) در حوزه انرژی در ایران انجام داده است و علم به اینکه این همکاری، باعث گسترش روابط و مراودات دو کشور در عرصه های سیاسی، فن آوری، نظامی و امنیتی شده است، بنابراین در پایان می-توان گفت که نفت یکی از مهم-ترین مؤلفه های تأثیرگذار در گسترش روابط چین و جمهوری اسلامی ایران در سال-های اخیر بوده است.

(Sedgghi, ۲۰۱۳). در این دوره عربستان و آنگولا مانند سالهای پیش همچنان رتبه های اول و دوم را در صدور نفت به چین داشته اند اما ایران جایگاه سوم خود را به روسیه می دهد که با ۹ درصد صادرات به چین، سهم عمده ای از نیازهای آن را تأمین می کند و ایران با ۸ درصد، همتراز با عراق و صادرات به طور میانگین روزانه ۴۲۹ هزار بشکه، در جایگاه چهارم قرار می-گیرند.
(نمودار ۱۳)

نتیجه-گیری

در گستره کره خاکی کسورهای هستند که سرشار از نفت می باشند و میزان قابل توجهی از آن را به عنوان منبع درآمد به خارج صادر می کنند (مانند ایران). از سوی دیگر، بعضی کشورها که از این نظر فقیر به شمار می-آیند، وابستگی فراوانی به واردات این کالا دارند (مانند چین). ذخایر بزرگ نفتی، ایران را به یکی از مراکز مهم برای تأمین نیازهای نفتی کنشگران بین-المللی تبدیل نموده است. بحث امنیت انرژی نیز مقوله بسیار مهمی برای کشورهای مصرف کننده انرژی است و همین، یکی از مهم-ترین دلایل گرایش چین برای ارتقاء و پایدار نگه داشتن روابط خود با ایران به عنوان چهارمین (۲۰۱۳) دارنده ذخایر نفتی دنیا است. با توجه به توسعه اقتصادی سریع چین در دو دهه اخیر و افزایش فزاینده نیاز این کشور به انرژی و نیز محدودیت منابع و عدم بهره وری کافی سوخت-های فسیلی دیگر مانند ذغال سنگ، نگرانی زیادی میان مقامات چینی در مورد امنیت انرژی در آینده وجود دارد. از این رو برنامه ریزی-های زیادی در این زمینه انجام داده-اند که یکی از مهم-ترین آنها، سرمایه-گذاری در صنایع نفتی ایران در این خصوص می-باشد. چین همواره از سال ۲۰۱۰ بزرگترین خریدار نفت ایران بوده و از این حیث برای ایران اهمیت زیادی دارد. در اینجا بار دیگر پرسش اصلی تحقیق مطرح می-شود، اینکه نفت

hasty move- [۱]

Geopolitics of Energy- [۲]

Geoffery Kemp- [۳]

Energy Security- [۴]

Bazylyan- [۵]



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir



مرکز اطلاعات علمی جهان و دانشگاه
Scientific Information Database

Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science

DRJI
Directory of Research Journals Indexing

ESJI
www.ESJIndex.org

Eurasian
Scientific
Journal
Index



Academic
Resource
Index
ResearchBib



Academia.edu
share research



uncertainty in the areas of energy security- [۲۳]	Bylky- [۶]
permanent dependency- [۲۴]	Ksls and others- [۷]
heart of the world 's energy.[۲۵]	transit- [۸]
Shell- [۲۶]	balance of production- [۹]
Total- [۲۷]	energy consumption- [۱۰]
Schlumberger- [۲۸]	unstable security-[۱۱]
Oil- [۲۹]	strategic commodity- [۱۲]
British Petroleum- [۳۰]	overproduction- [۱۳]
China National Service Cooperation- [۳۱]	production and purification- [۱۴]
Sinopec-[۳۲]	international energy agency- [۱۵]
Azadegan contract-[۳۳]	(opec) organization of petroleum exporting- [۱۶]
Yadavaran contract- [۳۴]	countries
The big deal- [۳۵]	sanctions circle- [۱۷]
buy back- [۳۶]	Oil-based diplomacy- [۱۸]
contract of the century-[۳۷]	Den Xiaoping- [۱۹]
contract to development of oil fields in Masjid-- [۳۸]	strategic reserves- [۲۰]
e-Soleiman	consumption and efficiency- [۲۱]
Ban on insurance companies - [۳۹]	annual growth in imports- [۲۲]



هزار به ۱۷ هزار بشکه در روز» نفت نیوز، (تاریخ دسترسی در ۱۳۹۳/۱/۲۰)،

قابل مشاهده در: <http://www.naftnews.net/view/۱۳۳۸۲>

- میررضوی، فیروزه و بهزاد احمدی لفورکی (۱۳۸۳) راهنمای منطقه و کشورهای حوزه خلیج فارس، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.

- یزدانی، عنایت الله وعلیرضا اکبریان (۱۳۸۹) «انرژی و روابط چین با خلیج فارس» فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۲، شماره ۲، صص ۳۳۴-۳۱۰.

- Bazilian, Borgan and other (۲۰۰۶) "Security of Supply Metrics" Dublin: sustainable energy Ireland.

- BP statistical review of world energy (۲۰۱۳).

- BP statistical yearbook (۲۰۱۳).

- Cunningham, Nick (۲۰۱۴) "Iranian Oil Exports Increase after Nuclear Deal", Oil price, (accessed in ۲۰۱۴/۰۴/۱۲) available at: <http://www.oilprice.com/Energy/Crude-Oil/Iranian-Oil-Exports-Increase-After-Nuclear-Deal.html>

- Customs General Administration (China) department of energy (doe) (۲۰۱۴).

- Davias, Marybeth and others (۲۰۱۳) "China-Iran a Limited Partnership", center for technology, inc.

- Dorraj , Manochehr and Carrie L. Currier (۲۰۰۸) "Lubricated with Oil: Iran-China Relation in a Changing World", Middle East Policy Council, (accessed in ۲۰۱۴/۴/۲۳) available at: <http://www.mepc.org/journal/middle-east-policy-archives/lubricated>

- Ebinger, Charles (۲۰۱۰) "About the Energy Security

منابع

- امنینیان، بهادر (۱۳۹۲)، ژئوپلیتیک انرژی: اتحادیه اروپا و امنیت انرژی، نشریه ژئوپلیتیک، دوره ۹، شماره ۲.

- خداپرست، یونس و محمد صیادی (۱۳۹۵)، ابعاد ژئواکونومی مدیریت انرژی منطقه خزر و امنیت انرژی ایران، کنفرانس ملی مدیریت انرژی و محیط زیست، دوره ۶.

- دهقانی فیروز آبادی، جلال (۱۳۹۱) سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر سمت.

- روزنامه اعتماد، «شرایط بازگشت غول های نفتی به ایران» (۱۳۹۲/۰۷/۱۵)

- زمان خانی، محمدعلی (۱۳۹۲) «آخرین وضعیت بازگشت ۸ غول نفتی به ایران/ خیال راحت شل، انی و ددرسرهای توتال و گازپروم» مهر نیوز (تاریخ دسترسی در ۱۳۹۳/۰۱/۲۰)، قابل مشاهده در:

<http://www.mehrnews.com/detail/News/۲۱۷۶۵۱۸>

- شریعت نیا، محسن (۱۳۸۷) آسیا و امنیت انرژی، تهران: انتشارات پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.

- صادقی، سید شمس الدین (۱۳۹۴)، امنیت انرژی چین و ژئواکونومیک انرژی ایران، نشریه تحقیقات سیاسی و بین المللی، دوره ۷، شماره ۲۲.

- کمپ، جفری (۱۳۸۳) جغرافیای استراتژیک خاورمیانه، ترجمه مهدی حسینی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- مجتهد زاده، پیروز (۱۳۸۱) جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: سمت.

- مصلی نژاد، عباس و حق شناس، محمدجواد (۱۳۹۱) «جایگاه چین در اقتصاد انرژی خلیج فارس با تمرکز بر جمهوری اسلامی ایران» پژوهش نامه علوم سیاسی، سال هشتم، شماره اول، صص ۱۷۳-۲۰۷.

- موسوی، کمال (۱۳۹۲) «کاهش تولید نفت میدان مسجدسلیمان از ۲۵



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir



RHG, "Iran Oil Desk: Tracing the World Third largest Oil –
:Exporter" (۲۰۱۲), accessed on ۲۰۱۴/۴/۲۲ available at

<http://www.rhg.com/intractive/iran.oil-desk.۲۰۱۲>

Seddighi, Amin (۲۰۱۳) "Iran Oil Exports: Where Do They –
:Go?" Guardian (accessed at ۲۰۱۴/۰۴/۱۶) available at

<http://www.theguardian.com/news/datablog/۲۰۱۲/feb/۰۶/iran-oil-exports-destination>

Seddighi, Amin (۲۰۱۳) "Iran Develops New Oil, Gas –

Contracts to Attract Investors", East day, (accessed in
:available at

<http://english.eastday.com/e/۱۴۰۲۲۴/u۱a۷۹۴۷۲۳۹.html>

www.fgenergy.com –

www.bp.com –

www.eia.gov –

www.marketrealist.com –

www.opec.org –

www.mop.ir –

www.cnpc.com –

Xuwen, Qian (۲۰۱۰) "China in Energy Cooperation with –
Middle East Oil-production Country", Journal of Middle

Eastern and Islamic studies in Asia, vol. ۱, no. ۳

Zahirinejad, Mahnaz (۲۰۱۰) "Energy Factor in China-Iran –
:Relation", Journal of Peace Studies, vol. ۱

Ziegler, Charles (۲۰۱۱) "The Energy Factor in China –
:Foreign Policy", Journal of Political Sciences, vol. ۱۱, no. ۱

.Initiative", Brookings institution, Washington dc

Farge, Emma and others (۲۰۱۳) "Exclusive: Iran Crude Oil –
:Exports Rise to Highest since EU Sanctions", Reuters

:(accessed in ۲۰۱۴/۰۴/۱۷) available at

<http://www.reuters.com/article/۲۰۱۳/۰۱/۳۱/us-iran-oil-exports-idUSBRE۹۰U۰۱۷۲۰۱۳۰۱۳۱>

Harry Lai, hongyi (۲۰۰۷) "China and Oil Diplomacy: Is It a –

:Global Security Threat", Third World Quarterly, vol. ۲۸, no

۳

Hoffman, Liz (۲۰۱۳) "China Investing ۲۰ B To Develop Iran –
:Oil Fields" Law ۳۶۰, (accessed in ۲۰۱۴/۱/۲۳), available at

<http://www.law۳۶۰.com/articles/۳۵۷۸۹۹/china-investing-۲۰b-to-develop-iran-oil-fields-report>

[۲۰b-to-develop-iran-oil-fields-report](http://www.law۳۶۰.com/articles/۳۵۷۸۹۹/china-investing-۲۰b-to-develop-iran-oil-fields-report)

Kent, Calder (۲۰۰۶) "East Asia and the Middle East: a –
Fateful Energy Embrace," China and Eurasian forum

quarterly, vol. ۳

Kessels, John and others (۲۰۰۸) Energy Security and the –

:Role of Coal, London: clean coal center

Recent Trends in Oil" (۲۰۱۲)

:Supply from Iran", oil group, oil and gas unit, leej

Lynn, Matthew (۲۰۱۴) "Are you brave enough to invest in –
Iran? Opinion: It's ready to become one of the hottest

opportunities of the decade" market watch, (accessed in
:available at

<http://www.marketwatch.com/story/are-you-brave-enough-to-invest-in-۲۰۱۴-۰۳-۲۶>

<http://www.marketwatch.com/story/are-you-brave-enough-to-invest-in-۲۰۱۴-۰۳-۲۶>

enough-to-invest-in- ۲۰۱۴-۰۳-۲۶